



نوروز

نمادی از فرهنگ ایران زمین

پس مانده مردگان‌شان را می‌ریزند، خود را در آن آب گل‌آلود بشویند تا مگر روانشان پاک شود و آرامش یابند. این‌ها سنت‌هایی برجای مانده از گذشته است که خرد و دانش انسان اندک و دامنه توهمش گسترده بود. رنج بردن را بهایی می‌انگاشتند تا نیاز خود را به آن سودا کنند! گویی خدای مهربان فقط رنج و درد را می‌پذیرد تا راضی شود (۱).

نوروز اما چنین نیست و هرگز رنج و درد را به امیدی واهی روا نمی‌دارد. این روز امیدبخش مانند کتاب و گزارشی از خوبی‌ها و فرزانی پیشینیان است که بهترین روز و بهترین فصل را به انتخاب عید اختصاص داده‌اند. عیدی که در آن از رنج و عذاب خبری نیست و بازتاب چالش‌ها و خشم‌ها نمی‌باشد بلکه هفت‌سین نمادینش پیام شادی، امید

نوروز یک فرهنگ غنی و پربار است به گستره تاریخ و جغرافیا. نوروز نقاشی و رنگ‌آمیزی است و هنری می‌باشد که موسیقی، تازگی، جوانی، عشق و دوستی را به همراه دارد. نوروز نماد پیروزی نیکی بر بدی و کنار گذاشتن کینه‌ها و پاس داشتن دوستی‌ها و پرورنده صلح و آشتی است. نوروز سنبل تعادل بهاری است که عامل خانه‌تکانی و دور کردن پلشتی و آلودگی از آشیانه و خویشتن خویش و زمان تازگی و شادی و لبخند است.

بوداییان برای رسیدن به عبادتگاه رنج و درد بسیار بر خود روا می‌دارند، راهی دراز و دشوار را بر سینه می‌خزند تا مگر نذرشان برآورده شود. هندوان پس‌انداز سالانه خود را صرف سفر به بنارس می‌کنند تا در آب گنگ، همان‌جا که خاکستر و

و خرمی به همراه دارد.

دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن می‌گوید که گستره مرزهای فرهنگی ایران تا آن جایی است که نوروز را پاس می‌دارند. نوروز آرش کمانگیر فرهنگ ایرانی است. ایران نماد گستره‌ای فرهنگی است فراتر از مرزهای سیاسی. در درازای تاریخ بارها شده که فرمانروایان گوناگون، ایرانی و غیرایرانی، در یک زمان بر گوشه و کنار ایران فرهنگی حاکم بوده‌اند، اما بر مردمانی حکم می‌رانده‌اند که ایرانی بودند، ترک و عرب، تاجیک و ازبک و سیستانی یا فارس و گیلک و کرد و کرمانی. ایران آنان را جذب و مجذوب خود کرده است. از نیکولای اولجایتو، نوه هولاکوخان و نبیره چنگیز که تکرار نام‌هایشان ریشه‌آور است، سلطان محمد خدابنده می‌سازد و آن گنبد و بارگاه سلطانیه را. کیمیای این استحاله و تبدیل، پروراندن این ملایمت از آن خشونت، برآوردن این گل از آن مرداب، معجزه و شاهکاری است که از سیاست و شمشیر بر نمی‌آید، از فرهنگی کهن، غنی، لطیف، گسترده و اثرگذار بر می‌آید که فرهنگ ایرانی نام دارد و نوروز تجلی بی‌زیان و امیدبخش آن است (۲).

اگر صدها میلیون نفر ساکنان این گستره فرهنگی از غرب چین تا شرق اروپا خواهان آن هستند که نوروز به نمادی جهانی تبدیل شود، برای این است که می‌خواهند آیینی که نماد پاکی، دوستی، نرمش، آشتی، سازگاری، اعتدال، زیبایی و نیکی است و با هیچ دین و مسلکی سر ناسازگاری و ستیز ندارد، جهانی شود.

امروزه نوروز در جایگاه چند فرهنگی و چند ملیتی خود وارد فرآیند نوینی شده که می‌توان آن را

فرآیند وحدت در عین کثرت نامید. در واقع، نوروز با ویژگی‌های منحصر به فرد و در عین حال متنوعش توانسته به مبنایی برای همبستگی کشورهای حوزه خود بدل شود.

نوروز یادآور تکرهای فرهنگی و قومی است که روزگاری نه چندان دور در این حوزه تمدنی زیسته و آیین‌های مشترک میان فرهنگی بین همه آن کثرت‌ها، نوعی وحدت برقرار می‌کرد. در دورانی که صدها سال با دنیای جهانی شده امروز توسط فناوری اطلاعاتی و ارتباطی فاصله داشتیم، چه چیزی جز آن مشترکات تمدنی می‌توانست در حکم رسانه ارتباطی بین قومیت‌ها و ملیت‌های متکثر عمل کند؟

رمز ماندگاری نوروز را باید در ارتباط متقابل این میراث باستانی با تحولات زمانه دید، زیرا این خصلت نوشونده و تحول‌پذیر آن است که نوروز را ماندگار می‌کند. این که نوروز توانسته با وجود تفاوت نظام‌ها و دیدگاه‌های متفاوت تاریخی و سیاسی، خود را حفظ کند و به آستانه دنیای مدرن برساند مربوط به همین ویژگی نوشوندگی و تحول‌پذیری آن است.

از سوی دیگر، مردم این حوزه تمدنی از ماوراءالنهر تا سرزمین‌های بالکان و ساحل رود دانوب در طول قرون متمادی موفق شده‌اند نوعی خویشاوندی بین نوروز و اسلام ایجاد کنند. اسلام نیز آن چنان که در منشور فرهنگی سرزمین ما باز تابیده، نوروز را نه تنها تأیید، بلکه آن را حفظ و تقویت کرده و از دستبرد تخریب‌های دینی و قومی مصون ساخته است. نوروز بدون میانجی‌گری اسلام و اسلامی‌سازی این میراث تمدنی توسط

ایرانیان، نمی‌توانست چنین بالنده و شکوفا شود و برای قرن‌ها قلمرو امپراتوری‌های بزرگ زمانه را به تسخیر خود در آورد.

امروز باید نوروز سازگار با گفتمان‌های روز را گامی به جلو برد و بین این میراث مشترک تمدنی با صلح و آشتی منطقه‌ای پیوندی تازه داد. به بیان دیگر، نوروز را باید به نحوی تکامل داد که عامل تقویت اشتراک‌های منطقه‌ای و زمینه‌ساز اتحادهای فراملی در سطح همسایگان شود. برقراری خویشاوندی گفتمانی میان نوروز و صلح می‌تواند یکی از همین مراحل تکاملی باشد. در واقع، نخبگان و فرهیختگان فکری و فرهنگی منطقه می‌توانند به کمک یکدیگر نوروز را به عید صلح و همگرایی تمدنی تبدیل کنند.

نوروز در جایگاه جهانی و سازمان مللی نوین خود فرصتی است برای بسط مقوله صلح منطقه‌ای و توسعه مناسبات همسایگی. نوروز یک دژ و یک حصار بسته به روی ملل همسایه نیست، بلکه جنبه ارتباطی و مشارکت‌پذیری آن به گونه‌ای است که متنوع‌ترین هویت‌ها و اقوام و زبان و تکرهای فرهنگی را می‌تواند بر سر سفره معنوی خود بنشاند. صلح و آشتی پیامی است که ملت ایران همواره از دل میراث معنوی نوروزی استخراج کرده و بدین‌سان یک ملت آشتی یافته با خویش و با تکرهای فرهنگی و گوناگونی مؤلفه‌های ترکیبی هویت ملی، به سهولت می‌تواند مردم منطقه و همه ساکنان حوزه تمدن اسلامی را به آغازی نو فرا بخواند و جهانی عاری از خشونت و افراطی‌گری

قومی، مذهبی و ملی برپا کند (۳).

نشریه دارویی رازی آغاز سال نو، شروع بهار روحبخش و نوروز جان‌افزا را به تمامی همکاران ارجمند، به ویژه داروسازان گرامی که در سرتاسر ایران عزیز مشغول خدمت به مردم خوب کشورمان هستند، تبریک می‌گوید و برای یکایک آنان آرزوی توفیق و سالی پربرکت، همراه با شادی و سلامتی می‌کند. دست‌اندرکاران مجله رازی هم چنین آرزو دارند که در سال جدید، هم‌چون سال‌های قبل به خدمت‌رسانی علمی و اجتماعی خود ادامه دهند و از این طریق، بخشی از نیازهای دوستان همکار را تأمین نمایند.

خوشبختانه، در یک سال اخیر و پس از شروع همکاری مجله رازی با دانشکده داروسازی دانشگاه علوم پزشکی تهران، وضعیت و موقعیت نشریه ارتقاء یافته و تا حد زیادی مشکلات گذشته بر طرف شده است. امید آن داریم که با ادامه این همکاری، نشریه رازی به شرایط ایده‌آل خود نزدیک شده و خواسته‌های بر حق مخاطبان خود را تأمین نماید.

دکتر سیدمحمد صدر

منابع

۱. مجلسی، ف. دیلیمات بازنشسته
۲. همان
۳. صالحی‌امیری س. نوروز فراملی، پیام‌آور صلح و ثبات منطقه‌ای. روزنامه ایران مورخ ۲۷ اسفند ۱۳۹۴.